

ضعف رهبری و مشکل در ساختارها، بزرگترین دلیل سقوط قندوز بود!

طالبان در سایه بی توجهی دولت سه ماه با نیروهای پولیس محلی در جنگ بود و نیروهای اردوی ملی را در این مدت با ایجاد جبهات متفاوت پراکنده نموده بود.



هواداران حسینی مزاری عکس پروفایل هایشان را به عکس رهبرشان تغییر دادند

در پی مسلودکردن دوباره‌ی صفحه‌فیسبوک سید عیسی حسینی مزاری از سوی اداره‌ی این شبکه اجتماعی، تعدادی از هواداران آقای حسینی مزاری عکس پروفایل‌های‌شان را به عکس آقای حسینی مزاری تغییر دادند.



مبارزه با تروریسم با استندردهای دوگانه؟!!

♦ بعد از ۱۱ سپتامبر انتظار می رفت، جهان شاهد یک مبارزه فراگیر و بدون تبعیض بین المللی علیه تروریسم و حامیان مالی و ایدئولوژیک آن باشد؛ اما آنچه در عمل به دست آمد، حاکی از آن بود که ۱۱ سپتامبر، بیشتر به مثابه سکوی پرش امریکا و غرب برای سلطه بر سرزمین های تازه و به آشوب کشاندن بیشتر سرزمین های اسلامی بود تا محرکی برای مبارزه واقعی با تروریسم.



گره امشیت افغانستان؛ از شمال تا آسیای جنوبی

۳

پادداشت

بازهم آدم ربایی، بازهم شیعیان

خبرگزاری آوا- سرویس تحلیل و پژوهش اخبار منابع محلی در ولایت زابل تائید کرده اند که دست کم ۲۰ مسافر شیعه از قوم هزاره که از ولایت قندهار به سمت غزنی در حرکت بودند صبح روز شنبه توسط افراد مسلح ناشناس گروگان گرفته شده اند.

گفته شده آمریایان، موتر مسافربری را در مسیر متوقف و مسافران شیعه از قوم هزاره را گروگان گرفته اند.

یک مقام محلی که خواست نامی از او برده نشود گفته که این افراد در منطقه ناورک ولایت زابل در شاهراه کابل- قندهار ربوده شده‌اند.

هنوز هویت ربایندگان مشخص نیست. در ده ماه گذشته هشت مورد گروگان‌گیری در ولایت غزنی و زابل ثبت شده، ۸۳ نفر به گروگان گرفته شده‌اند و از این جمله ۲۲ نفر کشته شده و از سرنوشت ۵ نفر اطلاعی در دست نیست و بقیه نیز رها شده‌اند.

هفت تن به شمول دو زن، یک دختر ۹ ساله و ۴ مرد اخیرا سر بریده شدند و مرگ آنها سرآغاز اعتراضات گسترده ملی در سراسر کشور بر علیه دولت مرکزی و گروه های تروریستی شد.

با این حساب، با توجه به گروگان گیری تازه در زابل، کارشناسان هشدار می دهند که ... ادامه در صفحه ۲

جنبش اجتماعی و جایگاه متزلزل رهبران قومی (بخش اول)

استفاده ایزاری از نام جهاد سبب شده است که نفرت و بد بینی در لایه های گوناگون اجتماعی نسبت به سران جهادی افزایش پیدا کند. این افراد به صورت ماکیاولیست های نو ظهور تعریف و تعبیر شوند. ماکیاول گرچه مورد بغض و نفرت بسیاری از سیاست مداران غربی در زمان خود قرار گرفت.

اما آنچه او بیان می داشت واقعیت های انکار نا پذیری بود که هر روز به دید می رسید و سیاست مداران بدان معیار ها عمل می کردند.

او در زمان خود بسیار با صراحت اعلام داشت که میان اخلاق فردی و اخلاق سیاسی تفاوت بسیاری بر قرار است.

کسانی که در عرصه خصوصی پایبند به اخلاق و ارزش های اخلاقی است نمی توان در عرصه سیاست به چنین ارزش هایی ملتزم و پایبند باشد.

عرصه سیاسی عرصه مکر و خدعه است، آنچه او می گفت رهبران جهادی در یک ربع قرن گذشته با همان اصول عمل کردند، بر کرده مردم سوار بوده اند.

هیچ رهبری را نمی توان سراغ گرفت که میان عمل و سخن او تبانی وجود نداشته باشد و عملکردها با ارزش های جهادی همخوانی داشته باشد. جهاد و مجاهد بودن گفتمان بیگانه از سنت های دینی مردم نبوده است که مردم آن را از رهبران قومی فرا گرفته باشند و در زندگی روز مره هم تابع دیدگاه و نظریات آنها باشند.

جهاد چیزی از باور های دینی مردم در درازنای تاریخ بوده است، مردم در سالهای متمادی با این آموزه زیسته و در مقاطع گوناگون به جهاد پرداخته و با ارزش های جهاد نیز آگاهی و آشنایی داشته و دارند. اما زمانی که به نام ارزش های جهاد، اهداف سیاسی و اقتصادی پی گیری می شود، مردم میان آموزه های دینی و عملکرد رهبران قومی، دوگانگی آشکاری را مشاهده می کنند.

دیدن این دوگانگی برفاصله میان رهبران و مردم افزوده است. تا آنجا که سخن رهبران برای مردم قابل باور نیست. در نتیجه گسستی جدی ای میان رهبران و مردم بوجود آمده است. به نظر نگارنده حرکتی که در هفته گذشته ایجاد شد متوقف نخواهد شد هم چنان ادامه خواهد یافت، مگر این که تغییری در رویه و عملکرد رهبران جهادی به وجود آید و با مردم با شفافیت و صداقت برخورد صوت گیرد ...

ادامه دارد

جنبش ها نپردازند. هرکدام در سطحی از دانش و بضاعت علمی خود بدین رخدادها بپردازند، نگاه ها و نگره های گوناگون، می تواند ابعاد گوناگون این رخدادها را بیشتر آشکار کند.

اگر رهبران جهادی متقدمان سیاسی و تحلیل گران را به سوی نیت متهم ندارند و اینگونه نوشته ها را به عنوان یک نقد مقدماتی مد نظر قرار دهند، می طلبد که از منظر یک روزنامه نگار به چند موضوع اشارت صورت گیرد. شاید پرسش هایی جدی تری در نزد صاحب نظران اجتماعی بوجود آید، تحقیقات علمی تر و محققانه تری در این مورد صورت دهند تا معیار تحلیل و ارزیابی برای این گونه حرکت بدست دهند.

نگارنده به صورت استعجالی به دو سطح این پدیده و رخداد اجتماعی اشارت کوتاهی صورت می دهم و نتیجه می گیرم.

سطح اول، علت بوجود آمدن این گونه رخدادها را واکنش به کنش رهبران جهادی و رفتار قیم مآبانه رهبران قومی و بی تفاوتی و بی مسئولیتی حکومت گران می دانم. وقتی علیه رهبری قومی شعار داده می شود، به معنای افول ستاره مشروعیت رهبران قومی و فراروی و فرا اندیشی سیاسی نسبت به سرنوشت حکومت و مردم است.

اعلام این نکته است که مشروعیت رهبری قومی با بن بست مواجه شده است و برای ایجاد یک حکومت مشروع و مردمی باید ساز و کارهای مدنی تر و انسانی تر دیگری جست و جو شود.

لذا نمی توان جنبش اجتماعی بر آمده از خواسته های مدنی و عقده های فرو خورده سیاسی را ساخته دست توطئه گران دانست و رهبران دامن بر چینند و خود را از هر گناهی پیراسته کنند.

تردید نیست که عملکرد منفی رهبران به صورت طبیعی باعث بوجود آمدن این گونه واکنش ها شده و می شود. رهبران جهادی گر چه در مدت چهارده سال گذشته از جهاد و ارزش های جهاد گفتند، اما با این شعار به معامله های سیاسی پرداختند و به داد و ستد مادی دست یازیدند و از این راه منافع مادی فراوانی برای خود کمایی نمودند.

مردم هم به وضوح می نگرینند که اعمال و کردار رهبران نه با ارزش های جهاد همخوانی دارد و نه گفتارشان به جهاد گران شبیه است.

به آن اندیشه کنند، که چه سبب شد سیلی از جمعیت به خیابان ها آمدند و جبهه و اعتبار رهبران خود خوانده را به چالش کشیدند؟ واقعیت آنست که جنبش اعتراضی هفته گذشته یک جنبش خود جوش اجتماعی بود و این نکته را در خود نهفته داشت که تاریخ مصرف رهبران جهادی به سر رسیده و باید برای زندگی سیاسی و امرار معاش خود راه های دیگری راجست و جو کنند؟

قرآن کریم می فرماید: «لکل امت اجل اذا جاء اجلهم لایستخرون ساعت و ولایستقدمون». آیا آن اجل و مهلتی از آن نام برده می شود برای رهبران کنونی صدق نمی کند، و حرکت دینامیک کنونی نقطه ختم حضور رهبران کنونی اقوام شمرده نمی شود، آیا آنها چنان عملکرد نکو و خدا پسند داشته اند که بیش از این عمر کنند به قیمومیت خود ادامه دهند؟

گرچه یافتن پاسخ این گونه پرسش ها می طلبد که جامعه شناسان و تحلیل گران اجتماعی با معیار های جامعه شناختی به تحلیل این رخداد ها بپردازند. اما مسئولیت از دوش رهبران جهادی بر داشته نمی شود که به عملکرد خود توجه نکرده گفتار و کردار خود را مورد بازنگری قرار ندهند. آنچه از اهمیت برخوردار است، این که رهبران جهادی و آنهایی که مورد خطاب این جنبش قرار گرفتند، نباید شکیبایی ازدست دهند تحلیل و ارزیابی را توطئه علیه خود بدانند. آسیب شناسی اجتماعی و یافتن علت ها و یا دلایل این گونه رخدادها، یک پروژه علمی جامعه شناسی است.

وقتی به نوشته های مورخان بزرگ و صاحب نظران گذشته از جمله ابن خلدون نظر میشود. آن مورخ بزرگ اجتماعی به علت ها و دلایل حرکت های اجتماعی و افول قدرت های سیاسی به نیکی می پردازد، علت هایی افول آنها را با توانمندی و نبوغ خود بررسی و تحلیل می کند و راه حل هایی نیز ارایه می دهد.

امروز نیز تحلیل رویداد های اجتماعی- تاریخی و پدیده های نو ظهور چون حرکت هفته گذشته، می طلبد که با مبانی جامعه شناختی مورد توجه قرار گیرد، علت ها و یا دلایل آن مورد کنکاش و جست و جو واقع شود. گرچه یافتن دلایل یا علت های این گونه رخدادها، نیازمند یک تحقیق آکادمیک و دانشگاهی است. اما بدین معنا نیست که روزنامه نگاران و تحلیل گران سیاسی از وارد شدن بدین وادی باز داشته شوند، در این زمینه اظهار نظر نکنند، به علت و یا دلایل ایجاد این گونه

سید مظفر دره صوفی

حرکت خود جوش و سیل آسای هفته گذشته در کابل غیر منتظره و شوک آور بود. چنانکه برخی ها هنوز از آن شوک بیرون نیامده اند. از این جهت آن حرکت با باز خورد تند برخی رهبران جهادی و قومی مواجه شد و پاره ای از رهبران نیز به لکنت زبان افتادند و آن پدیده خود جوش و دینامیک را به تهمت ها متهم داشتند.

از ویژگی های عمده ای آن پدیده- نو ظهور-، یکی این بود که از همه اقوام و اقشار و پیروان مذاهب حضور یافته بودند. چنانچه می توان بدان یک حرکت ملی اطلاق کرد.

ویژگی دیگر آن، جوشی بدون محرک خارجی بود. یعنی آن جمعیت انبوه به تحریک هیچ فرد و یا جریان خاصی بوجود نیامده بود و کسی آنها را وادار نساخته بود که در صحنه حضور یابند و به بدرقه جنازه شهدا که متعلق به یک قوم بود شرکت کنند. سومین ویژگی آن، حضور پررنگ جوانان بود. یعنی هم سامان دهندگان آن جوانان بودند و هم شرکت کنندگان آن حرکت حاوی دو پیام مشخص بود؛ یکی از شعارهای آن جنبش متوجه حکومت افغانستان بود که حکومت گران را فرا می خواند تا با جدیت تمام نسبت به عملکرد تروریستان بی تفاوت نباشند و کشته شدن مردم بی گناه را نظاره نکنند. پیام دیگر آن حرکت خود جوش میلیونی به چالش کشیدن مشروعیت رهبران جهادی و اعلام افول جایگاه آنها در میان مردم بود. این جوشش ملی این پیام را داشت که ستاره رهبران کنونی که در راس اقوام قرار گرفته اند، و خود را صاحب اختیار اقوام می دانند و بر سر اقوام به معامله می پردازند رو به افول است.

شاید این پیام از سوی رهبران جهادی بهتر از سایرین درک شده باشد و برخی واکنش های تند و شتاب آلود نیز حکایت گر این امر بود که رهبران قومی، پیام راهپیمایی را درک کرده اند که چنین واکنش شتاب آلود و عتاب آمیز از خود بروز دادند، راهپیمایان را اوباشان و ولگردان خیابانی خواندند. آنچه به نظر نگارنده مهم می آید آنست که رهبران به جای باز خورد خوشونت و رزانه و متهم داشتن راهپیمایان و معترضان، به اندیشه فرو روند، به باز خوانی و باز اندیشی کار کرد گذشته خود بپردازند، به آسیب شناسی رفتار خود توجه نمایند.

این پرسش را در اذهان خود مرور کنند و برای پاسخ

یادداشت

بازهم آدم ربایی، بازهم شیعیان

ادامه از صفحه اول / دولت از همین ابتدا باید به صورت جدی وارد عمل شود و اجازه ندهد که با سهل انگاری، دوگانه رفتاری، سکوت و تماشا، رویداد خونین و خطرناک اخیر در زابل یکبار دیگر تکرار شود.

از یاد نبرده ایم که مقام های دولت مرکزی در جریان پاسخگویی شان به اعتراضات ملی نسبت به گروگان گیری زابل، بارها اذعان کرد بودند که اجازه نخواهند داد گروگان گیری به یک فرهنگ تبدیل شود. اکنون این انتظار وجود دارد که دولتمردان در عمل نشان دهند که اجازه نمی دهند گروگان گیری به یک فرهنگ تبدیل شود.

این فرهنگ اکنون شکل گرفته و زابل و مسیر مرگبار آن همچنان نماد و سمبول این فرهنگ منحط و منزجرکننده است.

پس توپ در زمین سران حکومت است. این بار نوبت آنهاست که به علاوه رهایی ده ها خانواده از اضطراب و انتظار و بی قراری و اندوه و چشم به راهی عزیزان گمشده شان، مسؤولیت ملی خود در قبال جان شهروندان کشور را به خوبی و آنگونه که انتظار می رود و حق است، ادا کنند.

رستاخیز بیستم عقب رده هم چیز را به خوبی برای همگان روشن کرد.

مردم خط خود شان را مشخص کرده اند. اعتراض های مدنی، شاید برای همیشه مورد استفاده قرار نگیرد. کارد به استخوان مردم رسیده است. هر روز گرد همایی، هر روز اعتراض و هر روز وعده های پوچ و بی هزینه، اهرمی نیست که این بازی مبهم و پیچیده را برای همیشه ادامه دهد.

مردم خواسته های مشخص و انتظارات مشخصی دارند.

هنوز پژواک صدای رییس جمهور از گوش مردم نرفته است که قول داد امنیت تمامی مسیرهای مهم کشور به ویژه مناطق هزاره جات، به خوبی و به صورت کامل، تامین خواهد شد؛ اما ظاهرا این نیز از همان وعده هایی بود که ملت سال هاست به شنیدن آنها عادت کرده و هیچگاه شاهد عملی شدن شان نبوده است.

حماسه بیستم عقب رده نشان داد که اگرچه تروریست ها با گروگان گیری از یک قوم و مذهب خاص، سعی دارند مساله را قطبی و قومی کنند؛ اما مردم افغانستان از کابل تا مزار شریف، از هرات تا غزنی و از دهمرده جاغوری تا خیابان های جلال آباد، در عمل نشان دادند که یکصدا در برابر آدم ربایی و عوامل دخیل در فجایع ناشی از آن، می ایستند، اعتراض و انقلاب می کنند و دادخواهی می نمایند.

با این حساب، به باور کارشناسان، آنچه بار دیگر در زابل اتفاق افتاده، زنگ هشدار جدی در برابر دولت مرکزی است؛ دولتی که در این مقطع، به شدت نیاز به حمایت های ملی و مردمی دارد.

تروریست ها از حماسه بیستم عقب رده و اعتراض واضح مردم علیه دولت مرکزی، به خوبی بهره گرفتند تا یکبار دیگر با استفاده از این نقطه ضعف دولتمردان غیر عملگرا، مردم را رویاروی دولت قرار دهند.

بنابراین، هرچه دولت با قاطعیت، صداقت و عملگرایی بیشتر در برابر این اقدام تازه، وارد عمل شود، به همان میزان، آسیب های ناشی از این عمل، نسبت به دولت و مردم، کمتر خواهد شد و تروریست ها در اهداف شان ناکام خواهند ماند.

پرچم طالبان در حصه دوم کوهستان ولایت کاپیسا پائین کشیده شد

پولیس در هماهنگی با مردم در ولسوالی حصه دوم کوهستان کاپیسا، پرچم سفید گروه طالبان را پائین آورد.

به گزارش خبرگزاری آوا، طالبان پرچم سفیدش را در تپه خاکی در روستای ملاخیل ولسوالی حصه دوم کوهستان ولایت کاپیسا برافراشته بودند.

این پرچم توسط افراد نفوذی طالبان در بلندای یک تپه خاکی بلند شده بود، جایی که اصلا طالبان حضور ندارند.

در همین حال ماموران پولیس پس از اطلاع رسانی مردم به محل رسیده و در هنگام پائین کردن پرچم طالبان بمب جاگذاری شده در زیر پرچم منفجر شد که در نتیجه یک مامور پولیس همراه با یک غیرنظامی زخمی شدند.

شورای امنیت سازمان ملل روز جمعه با صدور قطعنامه ای به کشورهای عضو این سازمان اجازه داد «همه تدابیر لازم» برای مبارزه با گروه تروریستی داعش را در پیش بگیرند.

این قطعنامه یک هفته پس از حملات پاریس و با رای قاطع اعضای این شورا تصویب شد.

فرانسه پیش نویس این قطعنامه را تهیه کرده بود که از دولت های عضو سازمان ملل می خواهد «تلاش های شان را برای پیشگیری و سرکوب حملات

انتظار می رفت، جهان شاهد یک مبارزه فراگیر و بدون تبعیض بین المللی علیه تروریسم و حامیان مالی و ایدئولوژیک آن باشد؛ اما آنچه در عمل به دست آمد، حاکی از آن بود که ۱۱ سپتامبر، بیشتر به مثابه سکوی پرش امریکا و غرب برای سلطه بر سرزمین های تازه و به آشوب کشاندن بیشتر سرزمین های اسلامی بود تا محرکی برای مبارزه واقعی با تروریسم. در این قطعنامه هیچ گونه مبنای حقوقی برای اقدام نظامی در نظر گرفته نشده است و به فصل هفتم منشور

مبارزه با تروریسم با استندردهای دوگانه؟!



به باور منتقدان، نگرانی ها از به خطر افتادن صلح و امنیت

بین المللی را کاهش نمی دهد؛ زیرا

به همان میزان که تروریسم خطری

بر علیه همه ابنا بشر است، مبارزه

احساسی، افراطی، گزینشی و مبتنی

بر استندها و معیارهای دوگانه

با این پدیده نیز خطر توسعه افراط

گرایی و تروریسم را تشدید می کند

و از سوی دیگر، مسایلی مانند حق

حاکمیت ملی کشورها، امنیت غیر

نظامیان، تعریف گزاره هایی مانند

«اشغال»، «تجاوز»، «سرکوب»،

«حقوق شهروندی»، «آزادی مذهبی»،

«آزادی بیان» و... را به شدت دچار

نوسان و جا به جایی می کند.

سازمان ملل که به کارگیری نیروی نظامی را تایید می کند، ارجاعی داده نشده است. بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، شورای امنیت این سازمان قدرت دارد که در هنگام تهدید صلح جهانی، به جای توصیه، به اقدام نظامی متوسل شود. اما دیپلمات های فرانسوی مدعی اند که این قطعنامه می تواند حمایت های سیاسی قابل اهمیتی را برای کارزار علیه گروه داعش فراهم کند که از هفته گذشته و پس از حملات پاریس شدت گرفته است.

متیو ریکرافت؛ نماینده انگلیس در سازمان ملل گفته است که «این قطعنامه با قدرت، خطری را که از جانب گروه داعش وجود دارد، به رسمیت شناخته است». ویتالی چورکین؛ نماینده روسیه در سازمان ملل اما تاکید کرده است که این قطعنامه فقط یک «درخواست سیاسی» است و «مبنای حقوقی مقابله دولت ها با تروریسم را تغییر نداده است». کارشناسان می گویند که انتقاد روسیه، نشانگر نگرانی این کشور از لجام گسیختگی غرب زیر نام مبارزه با تروریسم در خاور میانه است. این قطعنامه ها به غرب امکان می دهند تا بدون توجه به مرزهای سرزمینی و حاکمیت ملی کشورهای مستقل، تمامیت ارضی آنها را به صورت گسترده نقض کند و به این ترتیب، سلطه خود را به آن

کشورها گسترش دهد. پیشنهاد فرانسه پس از آن تصویب شد که روسیه متن اصلاح شده پیش نویس یک قطعنامه دیگر را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد که از دولت ها می خواهد با موافقت دولت سوریه در این کشور با گروه داعش بچنگند. امریکا، انگلیس و فرانسه این پیش نویس را رد کردند و با همکاری با دولت بشار اسد موافقت نکردند. آنها معتقد بودند که رئیس جمهوری سوریه با «توسل به خشونت» باعث

دامن زدن به افراط گرایی شده است! این کنش و واکنش، از دید آگاهان، آشکارا بیانگر وجود یک تضاد و دوگانگی بنیادین میان قدرت های مهم عضو شورای امنیت است و نشان می دهد که آنها هرکدام استندهای خاص خود را برای مبارزه با تروریسم دارند. غرب بدون توجه به قواعد بین المللی، به صورت یکجانبه و خودخواهانه به خود حق می دهد، دولت ملی مستقر در سوریه را به اتهام توسل به خشونت و تقویت افراط گرایی نادیده بگیرد و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی آن کشور را زیر نام مبارزه با داعش، نقض کند؛ این در حالی است که دولت سوریه، در ۵ سال گذشته بیشترین قربانی را در مبارزه با همان تروریسمی داده است که جمعه گذشته پاریسی ها را آماج قرار داد.

تا پیش از حملات پاریس، امریکا و انگلیس و فرانسه و شرکای شان، مستقیما از داعش در برابر دولت بشار اسد، حمایت می کردند و همین حمایت ها، اکنون داعش را به گروه تروریستی مهارناپذیر و خطرناکی تبدیل کرده است.

از جانب دیگر، به اعتقاد منتقدان، غرب اگر در صدد مبارزه با تروریسم است، این مبارزه را ابتدا باید از درون مرزهای سرزمین داخلی خود شروع کند؛ زیرا همه کسانی که در پاریس دست به کشتار زدند، اتباع فرانسه و بلژیک بودند که با گذشتن از زیر ذره بین ماموران امنیتی و استخباراتی این کشورها وارد ترکیه شده و به سوریه رفته بودند.

برخی از آنها نیز به دلایلی چون فقر، تبعیض های نژادی و مذهبی، بیکاری و تضاد طبقاتی عمیق حاکم بر جامعه فرانسه، به دام تروریست ها افتاده و برای انتقام از دولت حاکم بر فرانسه، اقدام به همکاری با تروریسم کرده بودند؛ بنابراین مبارزه با تروریسم لزوما نیازمند لشکرکشی نظامی، اشغال، نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها، کشتار غیر نظامیان و به آشوب کشاندن یکی از سرزمین های مسلمان در خاور میانه نیست. غرب باید سیاست های داخلی اش را تصحیح کند، شکاف های عمیق اجتماعی اش را ترمیم کند و به نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تبعیض آمیز و فاشیست مآبانه اش بر علیه مسلمانان پایان دهد.

گزارش

برای پیشرفت افغانستان باید اختلافات داخلی را کنار گذاشت

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالمجید ناصری می گوید: برای رسیدن به یک افغانستان پیشرفته و با ثبات باید اختلافات داخلی کنار گذاشته شود.

به گزارش خبرگزاری آوا، دکتر عبدالمجید ناصری در دیدار با جمعی از شهروندان افغانستانی در تهران تاکید کرد که ما باید ادامه دهنده راه شهدای مان باشیم و همبستگی و وحدت خودمان را حفظ نماییم.

آقای ناصری با اشاره به سربریده شده های شهروندان ولسوالی جاغوری ولایت غزنی توسط داعشیان افزود: نباید ما بگوئیم جاغوری یا هزاره، باید همان طور که شهروندان کشور از هر قشر و قبیله ای تاجیک، ازبک، پشتون و... همه هم صدا شدند و صدای عدالتخواهی را فریاد زدند، همیشه این وحدت خود را حفظ کنیم.

وی در مسجد جامع والفجر گفت: برای آبادسازی و پیشرفت افغانستان باید اختلافات داخلی را کنار گذاشته و با دشمن واقعی خود مقابله کرد چرا که این امر ثابت کرده اگر ما کاری به کار دشمن نداشته باشیم دشمن به ما کار دارد و ما باید از هر لحاظ خود را نیرومند و مجهز کنیم.

او تاکید کرد که ما باید ادامه دهنده ی راه شهدا باشیم و نگذاریم که یاد و خاطره و خون های به ناحق ریخته آنها فراموش شود.

دکتر ناصری تاکید کرد، دولت موظف است نام های بهترین جاده ها و کتابخانه ها و مراکز علمی، فرهنگی و... را از اسامی شهدا نام گذاری کند.

مردم فقیر افغانستان، گرفتار در قفس بازار آزاد!



همایون رسا؛ وزیر تجارت و صنایع، خلیل صدیق؛ رییس عمومی افغانستان بانک، مصطفی مستور معین مالی وزارت مالیه و فریدالله شیرزی؛ رییس تصدی مواد نفتی به دلیل افزایش در قیمت های گاز، تیل و دیگر مواد به مجلس نمایندگان برای استجواب فراخوانده شده بودند.

همایون رسا؛ وزیر تجارت و صنایع در این جلسه گفت: به دلیل سیاست بازار آزاد در افغانستان ما نمی توانیم زیاد در بازار مداخله نماییم.

وی با توجه به اینکه قیمت ها تحت کنترل این وزارت قرار دارد؛ اما از وجود مشکل در سیاست بازار آزاد نگران هستیم افزود: ما تا جایی که اجازه داشته باشیم در بازار دخالت کرده و تلاش می کنیم قیمت ها را در کنترل داشته باشیم اما این سیاست جلوی مداخله بیشتر را از ما می گیرد.

رسا ادامه داد: در صورتی که دولت بخواهد ما حاضریم تا مداخله بیشتری در بازار کرده و ذخیره های بیشتری از مواد نفتی داشته باشیم و حتی اگر بخواهید واردات گاز را انحصاری کنیم.

وزیر تجارت و صنایع اظهار داشت: قرار داد واردات ۱۵۰ هزار تن گاز را با ازبکستان بسته ایم و ۷۲ هزار تن دیگر نیز با روسیه قرار داد خواهد شد و هم چنین با ایران و تاجیکستان نیز قرار داد داریم که این عوامل باعث کاهش در نرخ گاز خواهد شد. وی خاطر نشان ساخت: استراتژی تجارت را ساخته ایم و تا دو هفته دیگر نهایی خواهد شد که در آن ۶۶ پروژه در ۱۱ برنامه تشریح شده است که مطابق این پلان کسر تجارت پایین آمده و اشتغال زایی بوجود می آید.

شایان ذکر است، قرار بود در ادامه این جلسه ریس بانک مرکزی دلایل افزایش اسعار را در برابر پول افغانی و برخی مشکلات دیگر توضیح دهد که به دلیل خواست رییس بانک مرکزی و با تایید نمایندگان جلسه سری برگزار شد.

گره امنیت افغانستان؛ از شمال تا آسیای جنوبی

با شدت یافتن درگیری بین نیروهای دولتی و گروه طالبان در منطقه خواجه بهاءالدین در ولایت تخار در شمال کشور، مقام‌های محلی هشدار داده‌اند که اگر نیروی کمکی نرسد، این منطقه دست طالبان خواهد افتاد.

جاوید مشفق؛ ولسوال خواجه بهاءالدین گفت که تروریست‌های وابسته به گروه طالبان شب ۲۹ عقرب منطقه «علی قناق» ولسوالی درقد را تصرف و به سوی خواجه بهاءالدین پیشروی کردند.

درقد جزیره‌ای است که در بین دریای آمو و در جوار ولسوالی خواجه بهاءالدین موقعیت دارد. طالبان این منطقه را ۶ عقرب تصرف کردند.

آقای مشفق گفت که هرچند در حال حاضر، جلو پیشروی طالبان به سوی مرکز ولسوالی خواجه بهاءالدین گرفته شده؛ اما اگر نیروی اضافی به کمک نیروهای محلی نرسد، شاید این منطقه به دست طالبان بیفتد.

او افزود: «نیروهایی که از ماه حمل به این طرف با طالبان در جنگ هستند، از جنگ خسته هستند و اگر نیروی بیشتری نرسد و مقام‌ها توجه جدی‌تر نکنند، شاید نتیجه برعکس چیزی که ما تصور می‌کنیم، باشد.»

فرماندار خواجه بهاءالدین با تاکید بر اینکه «بدون امکانات و دست خالی جنگ نمی‌شود»، گفت: «وعده کمک بیشتر داده شده و انشاءالله این کمک‌ها تا ساعتی دیگر می‌رسد.»

این در حالی است که پیش از سقوط سایر مناطق و ولسوالی‌ها نیز اظهار نظرهای هشدارآمیز مشابهی از سوی مقام‌های محلی مطرح شده؛ اما با کم توجهی دولت مرکزی و ادارات ولایتی رو به رو شده است.

این بار نیز کارشناسان، هشدار

می‌دهند که مبادا هشدارهای مقامات محلی مورد سهل انگاری مقام‌های مرکزی قرار گیرد و در نهایت، نتیجه به نفع دشمن تمام شود.

از سوی دیگر، با توجه به آنچه این مقام محلی گفته است، جنگ در ولسوالی بهاءالدین و مناطق اطراف آن از آغاز سال جاری تاکنون جریان دارد و این امر، بدون تردید، یک روند فرسایشی خطرناک را ایجاد می‌کند و نیروهای محلی را در موقعیت آسیب پذیرتری قرار می‌دهند؛ با این حساب، وضعیت جاری در این منطقه حساس، نیازمند دقت و تمرکز راهبردی دولت مرکزی است.

ولسوالی خواجه بهاءالدین یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک در ولایت تخار است که طالبان زمانی که حدود ۸۰ درصد خاک کشور را تصرف کرده بودند، نتوانستند به این منطقه دست یابند.

در آن سال‌ها دولت مجاهدین به ریاست برهان‌الدین ربانی و نیروهای آن تحت فرماندهی احمدشاه مسعود، در این منطقه مستقر شده بودند. احمدشاه مسعود در ۱۸ سنبله ۱۳۸۰ در همین منطقه ترور شد.

با این حساب، به باور آگاهان، این منطقه از اهمیت راهبردی فوق العاده‌ای برخوردار است و سقوط احتمالی آن برای تروریست‌ها اهمیتی نمادین دارد؛ زیرا این امر بدان معناست که تروریست‌ها امروزه حتی از زمان سلطه دولت مجاهدین به رهبری برهان‌الدین ربانی نیز قدرتمندتر هستند؛ زیرا آنها در آن زمان، قادر به سقوط و تصرف این منطقه نشدند؛ اما اینک می‌توانند به این آرزو دست پیدا کنند.

صرف نظر از این، وقتی دولت

وقت به رهبری آقای ربانی در این منطقه، مستقر بوده و با توجه به ترور فرمانده مسعود در خواجه بهاءالدین، به نظر می‌رسد این منطقه، از اهمیت ویژه و راهبردی برخوردار است و موقعیت حساسی دارد؛ بنابراین، توجه به آن، به معنای توجه دولت به امنیت سراسر مناطق شمال کشور است.

جاوید مشفق هم احتمالاً با توجه به همین مسایل است که هشدار

محسوب می‌شود. این در حالی است که اشرف غنی؛ رئیس‌جمهور، اخیراً گفته است که طالبان که یک پدیده افغانی و پاکستانی است، اکنون به یک پدیده آسیای جنوبی مبدل شده که به سوی بنگله دیش و دیگر مناطق، در حال گسترش است.

رئیس‌جمهور گفته که جنگجویان مسلح در افغانستان، چین، روسیه، عربستان سعودی،



قزاقستان، افریقای شمالی، پاکستان و سایر کشورها همه روزه می‌جنگند، پس خشونت و افراط گرایی در افغانستان، مساله‌ای داخلی نیست.

اشرف غنی در بیانیه اش خطاب به دانشجویان دانشگاه نظربایف در شهر آستانه؛ پایتخت قزاقستان گفت: «طالبان که یک پدیده هردو افغانی و پاکستانی است، اکنون به یک پدیده آسیای جنوبی مبدل شده که در حال گسترش به سوی بنگله دیش و دیگر مناطق هم می‌باشد. آنها چقدر طرفدار دارند؟ بگذارید که در انتخابات اشتراک کنند و بگذارید که افغانان آنها را انتخاب کنند. اگر مردم افغانستان به آنها رای دهند، من هم به خوشی خود دفتر را به آنها وامی‌گذارم. اگر

اعمال شان در قندوز ملاحظه شود، متأسفانه تشدد تا حدی رسیده بود که هیچ گروهی که خواب حکومت را ببیند نیز چنین نمی‌کند.»

این بخش از سخنان آقای غنی، از دید آگاهان به معنای آن است که او تروریسم و ناامنی‌های ناشی از آن در افغانستان را عارضه‌ای صرفاً داخلی و افغانی نمی‌داند؛ بلکه آن را در چارچوب تهدیدهای جهانی تروریسم بین‌المللی، طبقه‌بندی می‌کند که مبارزه با آن نیز یک مسؤلیت بزرگ بین‌المللی است.

آگاهان می‌گویند که با توجه به این سخن، آقای غنی باید ابتکار عمل ایجاد کند که هدف تهدیدهای تروریستی هستند را به دست بگیرد.

بدون تردید، کشورهای زیادی هستند که با او در این طرح، همراه و هم‌نوا خواهند شد.

دست کم قدرت‌هایی مانند هند، روسیه و

کشورهای هم‌پیمان آنها یک مبارزه واقعی و همه‌جانبه را بر علیه تروریسم در افغانستان و سایر مناطق آغاز خواهند کرد؛ هرچند ممکن است که آمریکا و هم‌پیمانانش مانند

موضعی که در قبال دخالت روسیه در سوریه گرفتند، در ابتدا با آن مخالفت کنند و در نهایت، تن به یک سازش سیاسی بدهند.

واقعیت این است که در جهان کنونی، قرن آمریکایی به پایان رسیده و جهان به شدت چندجانبه‌گرا و چندقطبی شده است؛ بنابراین، افغانستان نیز برای مبارزه با خطرات تروریستی و ضد امنیتی، باید به رویکردهای چندجانبه‌گرایانه بین‌المللی روی آورد و از ماندن در حصار و انحصار یک قطب خاص قدرت جهانی، احتراز کند.

شاید در این صورت، بتوان گرهی از مسایل امنیتی افغانستان باز کرد و بر دشمن تروریستی و حامیان منطقه‌ای آن، غلبه پیدا کرد.

رئیس‌جمهور اشرف غنی به خروج نیروهای خارجی از افغانستان نیز اشاره کرده گفت: «رئیس‌جمهور بارک اوباما خروج نیروهای آمریکایی را از افغانستان به مردم خود وعده داده بود؛ اما زمانی که فعالیت افغانان را در مبارزه با تشدد مشاهده کرد، دید که ما تا چه حد کار اصولی می‌کنیم. از تعهد خود گذشت و به مردم خود توضیح داد که افغانستان ارزش آن را دارد تا بالای آن سرمایه‌گذاری شود. این یک اقدام همکاری فوق‌العاده از سوی آمریکا به شمار می‌رود. اروپا هم چنین کار را کرد. هفته گذشته ۳۱ کشور همکاری نظامی را با ما تعهد نمودند و امیدواریم که تا پایان این هفته شمار این کشورها به ۴۰ برسند.»

غنی گفت که مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی او را مجبور ساخته تا در عوض عملی کردن برنامه‌هایش در جهت دادن حقوق افغانان، روی نجات مردم از خشونت و تشدد، بیشتر تمرکز کند.

با این وصف، به باور منتقدان، استمرار حضور نظامی غرب در افغانستان، به شیوه کنونی، کمکی به مبارزه اصولی با تروریسم نمی‌کند. این حضور، چه بسا زمینه ساز توسعه و تشدید فعالیت‌های هراس افکنانه و خشونت‌بار گروه‌های ضد آمریکایی و ضد غربی در افغانستان خواهد شد که قربانی آن فقط مردم افغانستان هستند.

بنابراین، تنها راهکار عاقلانه و عملی، رویکردهای چندجانبه‌گرا و شکستن حصار و انحصار غرب در حیطه مبارزه با تروریسم در افغانستان و نیز بسط دادن دامنه این مبارزه به فراتر از مرزهای ملی افغانستان است.

ضعف رهبری و مشکل در

ساختارها، بزرگترین دلیل سقوط

قندوز بود!



کمیسون حقیقت یاب سقوط قندوز که از سوی رئیس‌جمهور به این ولایت اعزام شده بود، نتایج این تحقیقات را در یک نشست خبری اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری آوا، امرالله صالح و فاروق وردک به صورت مشترک، ریاست این هیات را بر عهده داشتند.

امرالله صالح از تمام کسانی که برای روشن شدن زوایای پنهان سقوط قندوز با این هیات همکاری کردند، تشکر نمود.

وی با بیان اینکه تحقیقات را از بعد استراتژیک و از بررسی عملکرد شورای امنیت ملی آغاز کرده اند گفت: هر گونه اتهام در مورد جهت دار بودن گزارش‌های کمیسیون حقیقت یاب بی‌اساس است.

صالح با بیان اینکه طالبان ساعت عصر ششم میزان به شهر قندوز حمله کرده اند، گفت: این موضوع از بی تفاوتی دولت در قبال سقوط چهاردره و دشت ارچی به دست طالبان بود.

وی افزود: طالبان در سایه بی توجهی دولت

سه ماه با نیروهای پولیس محلی در جنگ بود و نیروهای اردوی ملی را در این مدت با ایجاد جبهات متفاوت پراکنده نموده بود.

صالح خاطر نشان کرد: در تحقیقات به چیزی به نام دسیسه سازمان یافته برنخورده اند، اما عدم هماهنگی و عملکرد درست اردوی ملی کاملاً مشهود بوده است، به همین دلیل فرمانده یک کتک که به جای مبارزه با طالبان اقدام به عقب نشینی کرده بود، زندانی شده است.

وی گفت: بزرگترین دلیل سقوط قندوز، ضعف رهبری و مشکلات در ساختارها بود نه کمبود تجهیزات و نیرو.

وی در خصوص عدم حضور فاروق وردک و ایماق در این نشست خبری گفت که آقای ایماق از کمیسیون حقیقت یاب انصراف داده اند که دلش را باید از خود وی جویا شد و در حال حاضر آقای وردک در سوئیس به سر می‌برند اما حمایت خود را از کلمه کلمه این گزارش اعلام کرده اند.

امرالله صالح در پاسخ به سوال خبرنگاران

گفت: که گروه‌های خاکستری که نفع خود را در ضعف دولت می‌بینند نه در بی دولتی، در ولایت قندوز اقدام به تشکیل دولت موازی کرده اند که از اقتصاد جرمی حمایت می‌کنند. وی گفت که برای برنامه ریزی جنگ قندوز بیش از یکسال برنامه ریزی شده و حضور مشاوران و تروریست‌های خارجی که طالبان از آنها در مکالماتشان به عنوان «همپان» یاد می‌کردند، محرز می‌باشد.

صالح خاطر نشان کرد که دولت به خاطر خودش نباید خاموش باشد و خود را از سیطره ستون پنجم بیرون بکشد.

عضو کمیسیون حقیقت یاب سقوط قندوز گفت که در جریان این سقوط، سی و هفت زره پوش و واسطه‌ی نقلیه و هزار میل سلاح مختلف النوع به دست طالبان افتاده است.

وی در عین حال گفت که طبق یافته‌های این کمیسیون، پس از ورود نیروهای کمکی به قندوز طالبان به دو گروه تقسیم شده اند و هریک تحت بیرق طالبان و جندالله از شهر خارج شده اند.



عده داشته در مبلغ قرارداد انتقال حجاج افزایش قابل ملاحظه‌ای را بدون دلیل آورده و نیز از هواپیماهایی استفاده کرده که بیمه نداشته اند که این کار وی فساد علنی و آشکار است.

اما نباید این حرکات تنها افراد بدون پشتوانه و از قشری خاص را هدف قرار بدهد. ظهیر سعادت دیگر عضو مجلس ادامه داد: اعمال رئیس‌جمهور در مبارزه علیه فساد اداری شعار گونه است و وی تنها شعار می‌دهد. وی اظهار داشت: چند روز پیش داکتر فایق گفته بود، اسنادی در اختیار دارد که نشان می‌دهد آقای داوود سلطان که مسؤلیت برنامه‌ریزی حجاج به مکه را به

عضو مجلس نمایندگان:

اراده رئیس‌جمهور در مبارزه با فساد، شعار است!

و به تعلق در آوردن وظیفه آقای عبدالعلی محمدی مشاور حقوقی ریاست جمهوری اشاره کرد و گفت، برکناری این افراد سوال بر انگیز است و امیدواریم تا ریاست جمهوری در این مورد پاسخ واضح دهد. نماینده مردم دایکندی افزود: ما در مبارزه با فساد از کدام فرد مفسد حمایت نمی‌کنیم

مبارزه با فساد و برکناری و به تعلق در آوردن وظایف افرادی که به فساد آغشته باشند، حمایت می‌کنیم اما وی اراده مبارزه با فساد را ندارد و تنها افرادی را هدف قرار می‌دهد که پشتوانه ندارند و از قشری خاص هستند. وی به برکناری حیدر بصیر از وظیفه اش

برخی از اعضای مجلس نمایندگان از رئیس‌جمهور انتقاد کرده و می‌گویند، وی اراده مبارزه با فساد را ندارد و تنها شعار می‌دهد. به گزارش خبرگزاری آوا، صادقی زاده نیلی؛ نماینده مردم دایکندی در مجلس می‌گوید، از حرکات رئیس‌جمهور در

